یادداشت

مرزها به خودی خود ایمن نمی‌شوند

سردار سعید منتظرالمهدی
معاون اجتماعی نیروی انتظامی

وقتی فداکاری و از جان گذشتگی‌های پلیس در اقصی نقاط کشور را می‌بینیم به معنای این جمله می‌رسیم که به واقع «امنیت اتفاقی نیست»، امنیتی که همراه و در همه جا سایه‌اش را بر سرمان احساس می‌کنیم. در امنیت همان نعمتی است که همانند «سلامتی» اغلب مغفول واقع می‌شود ولی خوشبختانه ما از برکت وجود آن برخورداریم، آن هم به مدد قوی‌ترین مردانی که «جان» را در برابر «کیان» در کفه ترازو نهاده‌اند و با صبر، توکل، غیرت و فداکاری امنیت را ایجاد، حفظ و ارتقا می‌دهند؛ امنیتی مثال زدنی و البته ستودنی.

امنیت امروز مرزهایمان در جزیره بی‌ثباتی و درگیری‌ها و ناامنی‌هایی که پیرامون ماست، مرهون با هم بودن و در کنار هم بودن مرزبانان و مرزنشینان ماست که دست در دست هم از کیان ایران اسلامی دفاع و صیانت می‌کنند. آن هنگام که مردان بی‌ادعا در دور افتاده‌ترین نقاط مرزی وظیفه خود را انجام می‌دهند و ما بی‌هیچ دغدغه‌ای به فعالیت‌های روزانه‌مان مشغولیم‌ای کاش قدری نیز به یاد این همه ایثار پلیس مرزبانیمان باشیم. میهن، امروز و امدار «کیاندارانی» است که پیش‌دستانه در راه افزایش امنیت در سرمای منفی ۳۰ درجه با قلبی که دعاهای مردم ایران زمین به آن گرمی می‌بخشند، خدمت می‌کنند. دستی به نشانه احترام بلند می‌کنیم و درود می‌فرستیم بر همه مرزبانانی که لباس رزم بر تن دارند و نشان مهربانی بر دل. آنگاه که سرباز مرزبان ما برای نجات «جان حیوان باوفا» به «مین» نزدیک شده و از جان شیرین خود گذشت، به همه ما درس از جان گذشتگی داد؛ درس وفا و ایستادگی به پای آرمان بلندی به نام «ایران» این درس تا همیشه تاریخ، ماندگار...

کشوری به پهناوری ایران و مرزهایی با این گستردگی، به خودی خود نمی‌تواند امن باشد، گام‌هایی به استواری گام‌های مرزبانان غیور می‌خواهد که بی‌منت، وجب به وجب این خاک را زیر چتر حمایت خود دارند تا ما امنیت را با همه وجود خود حس کنیم. طاقت آوردن در برخی از نقاط صفر مرزی از توان بسیاری خارج است، اما اراده مردان پولادین مرزبانی بر همه سختی‌ها فائق آمده که نتیجه‌اش مرز و بومی امن و ایمن است؛ پس تشکر زبانی کمترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم. چیزی جز احترام نداریم که لایق سپاسگزاری از شما باشد پس احترام همراه با خضوع ما را بپذیرید که از عمق جانمان بر آمده است و باشد که بر دل شما بنشیند.ای کاش با قدمی یا قلمی به کمکشان می‌شتافتیم تا آرامش بیش از پیش سایه‌اش را بر سرمان بگستراند و این امنیت همراه پا بر جا باشد.

عامل شهادت پلیس بازداشت شد

شهید علی احمدنژاد

مجرمی سابقه‌دار که متهم است یکی از مأموران پلیس شهرستان ملارد را به شهادت رسانده، بازداشت شد.

صبح روز سه‌شنبه، ۱۸ بهمن‌ماه بود که مأموران کلانتری ۱۲ ماریک هنگام گشت‌زنی در ملارد به خودروی پرشیای سفید رنگی مشکوک شدند و به راننده فرمان ایست دادند. خودروی پرشیا لحظاتی بعد کنار خیابان توقف کرد و زمانی که مأمور پلیس و سرباز همراهش به خودرو نزدیک شدند، راننده هر دو را با شلیک گلوله اسلحه کمری هدف قرار داد که استوار دوم علی احمدنژاد به شهادت رسید و سرباز همراهش هم مجروح شد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها کارآگاهان موفق به شناسایی راننده پرشیا شدند. خیلی زود معلوم شد که متهم از مجرمان سابقه‌دار است که قبلاً ۱۱ بار به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده و به زندان افتاده بود. پس از به دست آمدن این اطلاعات کارآگاهان ساعت ۱۱:۱۵ دیروز متهم را در مخفیگاهش بازداشت کردند. تحقیقات از متهم در جریان است.

فداکاری مادر پس از مرگ

اعضای بدن مادر میانسال که به مرگ مغزی مبتلا شده بود، به چند بیمار نیازمند اهدا شد.

این زن ۵۷ ساله که فاطمه بذرافشان نام داشت، به علت سکته به بیمارستان روحانی شهرستان بابل منتقل شده است و تلاش پزشکان برای نجات وی ثمری نداشت و او به مرگ مغزی مبتلا شد. پس از آن بود که با رضایت خانواده‌اش، اعضای بدن وی به چند نیازمند اهدا شد.

آتش‌سوزی مرگبار در بولیوار

آتش‌سوزی ساختمان مسکونی در خیابان سیمون بولیوار تهران موجب مرگ زن ۶۰ ساله و خسارت سنگین به خودروهای اهالی ساختمان شد.

این حادثه ساعت ۵:۲۰ بامداد دیروز در یک ساختمان مسکونی در محله سیمون بولیوار خیابان فکوری اتفاق افتاد. محل حادثه ساختمان چهار طبقه مسکونی بود که پارکینگ آن دچار آتش‌سوزی شده بود. وقتی آتش‌نشانان در محل حاضر شدند، معلوم شد که دو خودروی سمند و دو خودروی پراید که در پارکینگ بودند به طور کامل در آتش سوختند و شعله‌های آتش به بیرون از پارکینگ در حال سرایت است. امدادگران همزمان با خاموش کردن آتش ۲۱ نفر از ساکنان را به بیرون از ساختمان منتقل کردند. در جریان بررسی‌ها معلوم شد یکی از ساکنان که زنی ۶۰ساله بود، جان خود را از دست داده است. علت حادثه در دست بررسی است.

ناصر محمدخانی به صفحه حوادث بازگشت

ستاره سابق فوتبال که از سوی افرادی آشنا ربوده شده بود، آزاد شد

ناصر محمدخانی، فوتبالیست مشهور که در جریان یک سناریو از سوی افرادی آشنا ربوده شده بود، آزاد شد. سردسته آدم‌ربایان مدعی است، ناصر با همسر صیغه‌ای‌اش قهر بوده و او قصد داشته است ستاره سابق فوتبال را با همسر صیغه‌ای‌اش آشتی دهد.

به گزارش خبرنگار ما، شامگاه سه‌شنبه مأموران پلیس پایتخت از ربودن ناصر محمدخانی، ستاره دهه شصت و مربی معروف فوتبال با خبر شدند. بررسی‌ها حکایت از آن داشت ناصر محمدخانی هنگام ترک فرودگاه به سمت تهران از سوی چندنفر آشنا ربوده و به مکان نامعلومی منتقل شده است. تحقیقات نشان داد این فوتبالیست مشهور وقتی در دام آدم‌ربایان گرفتار می‌شود به صورت مخفیانه به یکی از اعضای خانواده‌اش پیامکی می‌فرستد و از آنها برای آزادی‌اش درخواست کمک می‌کند. یکی از اعضای خانواده ناصر محمدخانی به مأموران پلیس گفت: ناصر قرار بود از طریق هوایی به تهران بیاید. در حالی که ما منتظرش بودیم پیامکی به گوشی‌ام فرستاد. وقتی پیامک را باز کردم ناصر نوشته بود در راه فرودگاه از سوی افراد آشنایی به زور و تهدید ربوده شده و در خانه‌ای در جنوب تهران حوالی خلیج زندانی شده است. ناصر از ما خواست به اداره پلیس برویم و برای آزادی‌اش درخواست کمک کنیم. وی در ادامه گفت: ناصر مدتی است با همسر صیغه‌ای‌اش اختلاف دارد و من از پیامک او متوجه شدم که بستگان همسر صیغه‌ای‌اش او را ربوده‌اند و الان احتمال می‌دهیم آنها بلایی سر ناصر بیاورند.

پس از طرح این شکایت با توجه به حساسیت موضوع بلافاصله نیمه‌شب حادثه تیم زبده‌ای از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت به دستور مقام قضایی برای شناسایی و آزادی ناصر محمدخانی وارد عمل شدند.

بررسی‌های تخصصی کارآگاهان مبارزه با آدم‌ربایی پلیس آگاهی نشان داد خانه‌ای که احتمال می‌رود آدم‌ربایان ناصر را در آن حبس کرده باشند، متعلق به یکی از نزدیکان همسر صیغه‌ای وی است. در چنین شرایطی مأموران خیلی زود خانه مورد نظر را شناسایی کردند و با حکم قضایی برای آزادی ناصر وارد مخفیگاه آدم‌ربایان شدند. مأموران پس از دستگیری هشت مرد آدم‌ربا، فوتبالیست مشهور را پس از ساعت‌ها حبس آزاد کردند.

اختلاف خانوادگی انگیزه آدم‌ربایی

پس از آزادی ناصر، مأموران متهمان را برای بازجویی به اداره پلیس منتقل کردند.

سردسته آدم‌ربایان که از نزدیکان همسر صیغه‌ای ناصر محمدخانی بود و نقشه آدم‌ربایی را به همراه تعدادی از بستگانش طراحی و اجرا کرده بود، گفت: مدتی قبل فوتبالیست مشهور یکی از بستگان نزدیک مرا به صورت موقت عقد کرد. آنها با هم زندگی خوبی داشتند و فامیل ما هم از زندگی با او راضی بود تا اینکه چندی قبل متوجه شدیم ناصر با همسر صیغه‌ای‌اش اختلاف پیدا کرده است. پس از این میانجیگری کردیم تا آنها را آشتی بدهیم، اما فایده‌ای نداشت. من چند بار خودم با فوتبالیست پیشکسوت درباره اختلافش با همسرش حرف زدم و آنها را آشتی دادم، اما آشتی آنها زیاد پایدار نبود و دوباره با هم اختلاف پیدا کردند. وی ادامه داد: چند روز قبل همسر صیغه‌ای ناصر خانه‌اش را ترک کرد و پیش ما آمد. او به قدری ناراحت بود که دلم برای او سوخت و تصمیم گرفتم ناصر را گوشمالی و بعد آنها را با هم آشتی بدهم. چند روز قبل متوجه شدم که ناصر قرار است از سفری که رفته بود به تهران بازگردد. سپس با چند نفر از بستگانم تصمیم گرفتیم او را از فرودگاه به زور به خانه‌مان بیاوریم و با او درباره اختلاف با همسرش اتمام حجت کنیم.

شب حادثه در فرودگاه منتظرش بودم و وقتی ناصر را دیدیم به زور او را سوار خودرو کردیم و به خانه‌ای در جنوب تهران بردیم. ما قصد آدم‌ربایی نداشتیم و فقط می‌خواستیم او را با همسرش آشتی بدهیم، اما وقتی او را به زور سوار کردیم با هم مشاجره کردیم که ناصر احتمال داد ما قصد ربودن او را داریم و مخفیانه به خانواده‌اش پیامک داده و از مأموران برای آزادی‌اش درخواست کمک کرده بود تا اینکه مأموران وارد خانه شدند و ما را دستگیر کردند.

تحقیقات درباره این حادثه تا روشن شدن زوایای پنهان آن از سوی مأموران ادامه دارد.

مرد جوان در جلسه محاکمه ماجرای قتل خاله مهربانش را شرح داد

پول نداشتم خاله‌ام را کشتم

مردی که متهم است خاله سالخورده‌اش را برای سرقت پول و طلا به قتل رسانده بود، در جلسه دادگاه به پای اولیای دم افتاد و درخواست گذشت کرد.

به گزارش خبرنگار ما، دوم آبان‌ماه سال ۹۱، مرد جوانی مأموران کلانتری ۱۱۱ هفت چنار را از مرگ مشکوک مادر سالخورده‌اش باخبر کرد. با حضور پلیس در محل، جسد پیرزن ۷۰ ساله‌ای به نام نسرین کشف شد که با ضربات چاقو به گردنش کشته شده بود. پسر مقتول که در محل حضور داشت، گفت: مادرم بعد از فوت پدرم تنها زندگی می‌کرد. خواهرانم خارج از کشور زندگی می‌کنند، به همین دلیل هر روز به او سر می‌زدم. امروز چند بار تماس گرفتم، اما مادرم تلفن‌ها را جواب نداد، به همین دلیل به اینجا آمدم تا از حالش باخبر شوم. هر چه زنگ خانه را زدم، در را باز نکرد. احتمال دادم داخل خانه برایش اتفاق بدی افتاده باشد به خاطر همین در را شکستم و وارد شدم. در خانه بوی گاز پیچیده بود. بعد داخل یکی از اتاق‌ها با جسدش مواجه شدم. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، مشخص شد که مقداری از پول و طلاهای مقتول هم سرقت شده است.

بررسی صحنه جرم هم نشان داد که هیچ آثار درگیری روی درهای خانه وجود ندارد و قاتل احتمالاً از نزدیکان پیرزن است که بدون مقاومت وارد خانه شده است.

اولین سرنخ در این باره را پسر مقتول به دست پلیس داد. او گفت پسرخاله‌ام کامران مرد بیکاری است که وضع مالی بدی دارد. او گاهی به مادرم سرکشی می‌کرد، با این حال او تنها فردی است که به او مظنون هستم.

بعد از ثبت توضیحات پسر مقتول، مأموران پلیس متوجه شدند که کامران بعد از وقوع حادثه به طرز مرموزی ناپدید شده است. همسر او به پلیس گفت: شوهرم یک هفته قبل ۴۵۰ هزار تومان به من پول داد و برای کار راهی شهرستان شد. البته او درباره مقصدش چیزی به من نگفت و قرار شد که تماس بگیرد. مأموران پلیس سرانجام موفق شدند کامران را در شهرستان قرچک ورامین شناسایی و بازداشت کنند. او وقتی مورد تحقیق قرار گرفت، گفت که از ماجرای قتل خاله‌اش خبر ندارد.

کامران در تحقیقات فنی به قتل اعتراف کرد و گفت: با انگیزه سرقت دست به قتل زده است. با کامل شدن بررسی‌ها پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و جلسه محاکمه روز گذشته به ریاست قاضی متین‌راسخ و دو مستشار تشکیل شد. بعد از قرائت کیفرخواست پسر مقتول در جایگاه حاضر شد و گفت: دو خواهرم در خارج از کشور زندگی می‌کنند که برای درخواستشان به من وکالت داده‌اند. همه ما درخواست قصاص داریم.

سپس متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: چند ماه بود که بیکار شده بودم و برای مخارج زندگی‌ام با داشتن زن و بچه با مشکلات زیادی مواجه بودم. خاله‌ام بسیار زن مهربانی بود و به خاطر اینکه تنها زندگی می‌کرد، گاهی به او سر می‌زدم. از آنجایی که وضع مالی خوبی داشت، چند بار خواستم به او از مشکلاتم بگویم، اما نتوانستم. نمی‌دانم چطور شد که فکر سرقت به سرم زد.

او در خصوص روز حادثه گفت: آن روز به خاطر فشارهای عصبی قرص ترامادول خورده بودم، به همین دلیل چیز زیادی به خاطر ندارم فقط می‌دانم وقتی وارد خانه شدم خاله‌ام خواب بود که از خواب بیدار شد و در را باز کرد. به او گفتم: اگر خسته‌ای بخواب من هم کمی استراحت می‌کنم و می‌روم. وقتی دوباره خوابید، روسری را دور گردنش پیچاندم و از آشپزخانه چاقویی برداشتم و چند ضربه به گردنش زدم.

او در مورد سرقت گفت: بعد از قتل، النگو، گردنبند و دستبند او را به همراه ۴۵۰ هزار تومان پول نقد برداشتم و شیرگاز را باز کردم که خانه را به آتش بکشم، اما نتوانستم. بعد از آنکه به خانه برگشتم به همسرم گفتم در شهرستان کار پیدا کرده‌ام و باید به آنجا بروم. پول نقد را به او دادم و به ورامین رفتم.

او در آخرین دفاع گفت: من هیچ بدی از خاله و بچه‌هایش ندیده بودم. به خاطر فشارهای مالی شیطان وسوسه‌ام کرد و مرتکب قتل شدم که بعد از آن خیلی پشیمان شده بودم و عذاب وجدان داشتم. او در حالی که اشک می‌ریخت به پای پسرخاله‌اش افتاد و التماس می‌کرد به خاطر فرزند خردسالش او را ببخشند. در آخر جلسه بعد از آخرین دفاع متهم، هیئت قضایی وارد شور شد.

مأموران پلیس سراتو سوار شدند

فرمانده نیروی انتظامی با اعلام انتخاب «سراتو» به عنوان خودروی پلیس گفت: از خودروهای بنز تا زمانی که مجوز دارند، استفاده می‌کنیم.

سردار اشتری درباره برنامه‌های ناجا همزمان با ۲۲ بهمن ماه با تبریک سالروز ۲۲ بهمن‌ماه گفت: نیروی انتظامی اقدامات اولیه برای هرچه با امنیت برگزار شدن مراسم ۲۲ بهمن را انجام داده است که این برنامه‌ها در تهران بزرگ و مراکز سراسر استان‌ها اعمال شده است. این برنامه‌ها اعم از برنامه‌های ترافیکی است و از روزهای منتهی به ۲۲ بهمن ماه تا پایان مراسم ادامه دارد.

فرمانده ناجا درباره انتخاب «سراتو» به عنوان خودروی نیروهای پلیس افزود: ناوگان خودرویی پلیس احتیاج به بازسازی داشت. خودروی وارد شده با تصویب ستاد کل بود و سراتو چون در داخل کشور تولید می‌شود. مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تعداد ۲۰۰ خودروی سراتو در بخش پلیس راهور و پلیس انتظامی آماده شده و برای استفاده در شهر تهران مورد استفاده قرار گرفته است که در صورت تأیید تست در تمام کشور مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته خودروهای بنز را تا زمانی که مجوز داریم استفاده می‌کنیم و به مرور از رده خارج می‌شوند.

وی درباره عملکرد پلیس در ۱۱ ماه گذشته گفت: در همه شاخص‌ها بهبودی داشته‌ایم و اقدامات صورت گرفته بسیار ارزشمند بوده است و در نظر گرفتن شاخص‌ها نشان می‌دهد که حرکت رو به جلویی را پلیس داشته است و به ویژه در زمان بحران، پلیس بسیار خوش درخشید و امیدواریم میزان رضایتمندی مردم از پلیس همچنان بالا باشد، چون اعتماد مردم به پلیس بزرگ‌ترین پشتوانه پلیس است.

وی همچنین درباره برنامه‌های پایان سال پلیس خاطرنشان کرد: با توجه به حضور مردم در مراکز خرید و افزایش خریدهای شهروندان، حضور مأموران پلیس در مراکز خرید بیشتر می‌شود.

کلاهبردار مرده زنده شد

مردی فریبکار که پس از کلاهبرداری ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومانی در اصفهان برای خودش مجلس ختم برگزار کرده بود، زنده از آب درآمد.

سردار عبدالرضا آقاخانی، فرمانده انتظامی استان اصفهان گفت: چندی قبل ۱۱ شکایت مشابه علیه مردی که با وعده سرمایه‌گذاری دست به کلاهبرداری زده بود در پلیس آگاهی اصفهان مطرح شد. بررسی‌ها نشان داد که متهم با فریب سرمایه‌گذاران ۲ میلیارد و ۶۱۳ میلیون تومان از آنها کلاهبرداری کرده و ناپدید شده است. در حالی که بررسی‌ها در جریان بود، خبر رسید که مرد کلاهبردار فوت شده است و خانواده‌اش هم برای او مجلس ترحیم گرفته‌اند. سردار آقاخانی گفت: کارآگاهان پلیس در بررسی‌های بعدی متوجه شدند که مرد فریبکار زنده و با تغییر چهره زندگی تازه‌ای را شروع کرده است؛ بنابراین متهم را بازداشت کردند. او در بازجویی‌ها به کلاهبرداری اعتراف کرد. سردار آقاخانی گفت: بعد از تشکیل پرونده متهم برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی تحویل داده شد.

قاتل خاموش جان ۲ مرد را گرفت

نشت گاز از موتورخانه و نقص در دودکش جان دو مرد را در یکی از خانه‌های خیابان وزرا گرفت.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی گفت: ساعت ۱۳:۴۶ دیروز گازگرفتگی در خیابان وزرا، پایین‌تر از میدان آرژانتین به نیروهای سازمان آتش‌نشانی اطلاع داده شد و لحظاتی بعد نیروهای گروه نجات شماره ۱۳ سازمان آتش‌نشانی در محل حاضر شدند. جلال ملکی ادامه داد: محل حادثه یک ساختمان چهار طبقه بود که در طبقه آخر آن، که یک واحد ۶۵ متری بود سه مرد دچار گاز گرفتگی شده بودند. آتش‌نشان‌ها پس از باز کردن در منزل، با پیکر سه مرد مواجه شدند و مشخص شد دو مرد ۴۰ و ۶۵ ساله در پی استنشاق گاز منوکسید کربن جان خود را از دست داده و فرد سوم نیز که مردی ۴۳ ساله‌ای بود با وضعیت وخیم به مراکز درمانی منتقل شد. وی در خصوص دلایل نشت گاز منوکسیدکربن تصریح کرد: کارشناس سازمان آتش‌نشانی حاضر در محل حادثه، علت گازگرفتگی را نشت گاز از موتورخانه و نقص در دودکش و تهویه خانه اعلام کرد.

باشگاه حقوقی

مجازات صدور چک از حساب بسته شده

■ همه می‌دانیم که هرکس چک صادر کند ولی پول در حساب بانکی خود نداشته باشد و چک پاس نشود، با شکایت دارنده چک و به جرم صدور چک بلامحل زندانی می‌شود.

-حال اگر کسی که چک صادر می‌کند، این چک را از حسابی صادر کند که خودش قبلاً آن حساب را بسته است یا به بانک نامه نوشته و آن را فعلاً مسدود کرده یا آن حساب، قبلاً به دستور مقامات قضایی، مسدود شده (و صاحب حساب هم از این موضوع خبر دارد)، مجازات او بیشتر از کسی است که چک صادر کرده است و فقط پول در حساب ندارد.

-چنین شخصی به حداکثر مجازات مربوط به صدور چک بلامحل (یعنی دو سال حبس) محکوم می‌شود، ضمن اینکه این مجازات قابل تعلیق نیست یعنی قاضی نمی‌تواند مجازات او را اجرایی نکند و معلق کند، علاوه بر این، چنین شخصی به ممنوعیت از داشتن دسته‌چک به مدت دو سال هم محکوم می‌شود.

موارد مهم و ضروری در هنگام صدور چک

بعضی افراد برای جلوگیری از جعل چک، روی تاریخ و مبلغ چکی که صادر می‌کنند، چسب می‌زنند، اما بهتر است بدانید که چسب زدن، اصلاً روش قابل اعتمادی نیست زیرا چسب با کمی حرارت از روی چک جدا می‌شود، بنابراین امنیتی را برای صادر کننده ایجاد نمی‌کند. بهتر است علاوه بر چسب زدن، یک کاغذ کاربن برعکس را در زیر برگه چک بگذارید و سپس مبلغ و تاریخ چک را بنویسید، در این صورت نوشته کاربنی، در پشت چک منعکس می‌شود و امکان جعل کردن چک شما را غیرممکن یا بسیار سخت می‌کند.

قاتل ۱۶ ساله به زندان و دیه محکوم شد

پسر ۱۶ ساله‌ای که در جریان درگیری خیابانی مرتکب قتل شده بود، به پرداخت دیه و پنج سال حبس محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، نهم مهرماه سال ۹۴، مأموران پلیس تهران از قتل مرد ۲۹ ساله‌ای به نام آرمان در یکی از محله‌های شهر باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که مرد جوان به ضرب چاقوی پسری نوجوان جان خود را از دست داده است. بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، عامل حادثه که پسری ۱۶ ساله به نام رضا بود، بازداشت شد. او در بازجویی‌ها به جرمش اقرار کرد و گفت: روز حادثه همراه دوستم می‌خواستیم به بازار تره‌بار قرچک برویم که در راه آرمان به همراه دو سرنشین دیگر مشغول رانندگی با خودروی پرشیا بود. حین سبقت دو آینه بغل خودروها با هم برخورد کرد و این اتفاق باعث شد با هم درگیری لفظی پیدا کنیم که با پادرمیانی چند رهگذر سوار ماشین شدیم و حرکت کردیم. وقتی سوار ماشین شدم، دوستم مرا تحریک کرد و گفت: آنها حرف زشتی زدند و باید تلافی کنیم. تحت‌تأثیر حرف دوستم چاقو را آماده کردم و وقتی جلوی ماشین آرمان را گرفتیم به سمت او حمله کردم و با دسته چاقو چند ضربه به سرش زدم.

پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهم روز قبل قبل پای میز محاکمه ایستاد. او در آخرین دفاع گفت: در کانون اصلاح و تربیت فهمیدم مجازات کسی که دست به قتل می‌زند، قصاص است. حقیقت این است که معنی قصاص را در کانون فهمیدم و ماهیت جرمی را که مرتکب شده‌ام، درک نمی‌کنم. هیئت قضایی با توجه به سن متهم در راستای اعمال ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی، رضا را از قصاص تبرئه و او را به پرداخت دیه و پنج سال زندان محکوم کرد.

آگهی دادگستری کل استان البرز

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۶۹۰۷۰۰۲۷۱ شعبه ۲۲ شورای حل اختلاف کرج (۷ سابق) مجتمع شماره ۲ (شهید ملک‌زاده) تصمیم نهایی شماره *خواهان: آقای ابراهیم بیات ورکشی فرزند مرادعلی با وکالت آقای امجد محمودی فرزند محمد به نشانی کرج، میدان فاطمیه، خیابان داریوش، کوچه لاله، جنب اداره برق پلاک۸ * خوانده: آقای وحید مهربانی فرزند محمود به نشانی: مجهول المکان *خواسته‌ها: ۱. پرداخت حق الوکاله ۲. مطالبه خسارات دادرسی ۳. مطالبه وجه چک ۴. مطالبه خسارت تاخیر تادیه *رأی شورا: در خصوص دادخواست آقای ابراهیم بیات ورکشی فرزند مرادعلی با وکالت آقای امجد محمودی فرزند محمد به طرفیت آقای وحید مهربانی فرزند محمود به خواسته حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت ۲ فقره چک به انضمام هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تادیه با عنایت به جامع اوراق و محتویات پرونده با ملاحظه دو فقره چک به شماره سریال‌های ۱۰۴۱/۳۸۶۷۵۲ مورخ ۹۳/۳/۱۵ به مبلغ ۳۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و ۱۰۴۱/۳۸۶۷۵۳ مورخ ۹۳/۳/۱۵ به مبلغ ۲۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال جمعاً به مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال عهده بانک پاسارگاد و با گواهی عدم پرداخت چکها به شماره سریال‌های ۳/۸۲۰۸۶۳ و ۳/۸۲۰۸۸۱ مورخ ۹۳/۳/۱۷ در ید خواهان که دلالت بر مدیونیت خوانده دارد استماع اظهارات وکیل خواهان در جلسه دادرسی عدم حضور خوانده علیرغم ابلاغ وفق ماده ۷۳ به ایشان از طریق نشر اگهی اطلاع رسانی شده و حاضر نگردیده و لایحه‌ای ارسال ننموده و ایراد و دفاع موثری به عمل نیاورده است لذا قاضی شورا دعوی مطروحه را وارد دانسته و به استناد مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت و ۱۹۸ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت اصل خواسته به مبلغ ۵۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال و هزینه دادرسی به مبلغ ۸۵۰/۰۰۰ ریال و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه به انضمام خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سررسید چکها ۱۳۹۳/۲/۱۵ لغایت یوم اجرای حکم بر مبنای شاخص کل بانک مرکزی ایران که توسط اجرای احکام مدنی محاسبه خواهد شد در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی بوده و ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و سپس ظرف مهلت بیست روز پس از آن قابل تجدید نظر خواهی در محاکم عمومی حقوقی دادگستری شهرستان کرج می‌باشد. / م‌الف: ۵۰۳۲۳

رضوی- قاضی شعبه ۲۲ شورای حل اختلاف کرج

آگهی دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۵۵۰۰۵۰۰۳۲۶ شعبه ۵ شورای حل اختلاف مجتمع ۳ شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۵۵۰۰۵۰۰۶۹۷ *خواهان: آقای محمد راشکی فرزند ابراهیم با وکالت آقای امیرمحمد سپاهی فرزند یارمحمد به نشانی: زاهدان، نبش بلوار بهداشت ۱۴ ساختمان رزمخواه (وکلا) طبقه اول واحد یک کدپستی ۹۸۱۶۹۳۶۷۳۴ * خوانده: آقای حبیب شیخ حسین فرزند محمد به نشانی سیستان و بلوچستان، زاهدان، بلوار جانبازان ۲۰ متری هدایت نبش میلان۲ *خواسته: مطالبه وجه چک به شماره ۳۰۶۶۸۴/۱۵ مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۴ به انضمام خسارات قانونی و تاخیر تادیه و حق الوکاله وکیل *رای شورا : درخصوص دعوی خواهان آقای محمد راشکی به وکالت آقای امیرمحمدسپاهی فرزند یارمحمد به طرفیت آقای حبیب شیخ حسین فرزند محمد به خواسته مطالبه وجه یک فقره چک عهده بانک انصار به شماره سریال ۳۰۶۶۸۴/۱۵ مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۴ به مبلغ ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان و کلیه خسارات قانونی با این توضیح که وکیل خواهان اظهار داشته که خوانده چک موضوع خواسته را بابت بدهی خود به موکل اینجانب صادر کرده است که با مراجعات مکرر از دادن دین خود امتناع نموده است و از طرفی چون خواننده آقای حبیب شیخ حسین مجهول المکان می‌باشد از طریق نشر آگهی روزنامه قدس جهت شرکت در جلسه شورا دعوت گردیده که در جلسه حاضر نشده و لایحه‌ای هم تقدیم نداشته و ادعای خواهان مصون از ایراد باقی مانده است علی هذا شورا دعوی خواهان را وارد تشخیص و مستنداً به مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ قانون تجارت خوانده را به پرداخت ۱۳۰/۰۰۰/۰۰۰ تومان بابت اصل خواسته و مبلغ ۲۴۲/۵۰۰ تومان بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست ۱۳۹۵/۶/۱۷ تا یوم الوصول محکوم می‌نماید. رای صادره غیابی و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شورا و سپس ظرف همین مدت قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم عمومی حقوقی زاهدان می‌باشد. / م‌الف: ۳۴۱۲

مجید خسروی- قاضی شورای حل اختلاف شماره ۵ زاهدان